

چرا تصویر آخرین امپراتور آلمان روی یک قالی ایرانی نقش بسته است؟

امپراتور ویلهلم دوم در موزه فرش آستان قدس!

- از تبریز تا آلمان؛ از آلمان تا مشهد

سرآغاز این داستان در تبریز رقم خورد؛ جایی که خانواده‌ای از بافندگان تبریزی سفارش عجیبی از دربار آلمان دریافت می‌کند؛ سفارش بافت یک قالی با نقشی از تصویر امپراتور وقت آلمان. کارشناس موزه فرش آستان قدس رضوی داستان را این‌گونه روایت می‌کند: این قالی توسط «ابوقیر هاغ وقره‌بی» در تبریز بافته شد و پس از اتمام، در اواخر قرن سیزدهم خورشیدی، راهی آلمان شد. قالی سال‌ها در همان کشور نگهداری می‌شد تا اینکه یک مجموعه‌دار ایرانی آن را از یک حراجی خرید. این قالی سرانجام توسط حاج محمدنوبری به موزه آستان قدس رضوی اهدا شد.

این قالی با طرحی تصویری و ساختاری شبیه قالی‌های محرابی، در ابعاد ۴۸۰ در ۲۷۰ سانتی‌متر بافته شده است. تار و پود آن پنبه‌ای و پیرز آن از پشم و در رنگ‌آمیزی آن، هم از رنگ‌های طبیعی و هم شیمیایی استفاده شده است. رج‌شمار آن نیز ۴۵گره در ۷ سانتی‌متر اندازه‌گیری شده است. بخش جذاب ماجرا نه اندازه و نه قدمت قالی، بلکه موضوعی است که در متن آن روایت می‌شود. در مرکز اثر، ویلهلم دوم قرار دارد، امپراتوری که هم‌زمان پادشاه پروس و امپراتور آلمان بود. قلمرو امپراتوری آلمان و پادشاهی پروس نیز در تصویر، زیر پای او به تصویر کشیده شده است تا گستره حکومتش را نشان دهد.

در کنار او، چهره‌اتوفون بیسمارک نیز به‌صورت یک روح دیده می‌شود؛ صدراعظم شناخته‌شده آلمان در قرن نوزدهم که نقشی مهم در تاریخ این کشور داشت. بالای سر امپراتور هم پیکره‌ای نمادین از الهه قدرت یا جنگ قرار دارد که حلقه‌ای از برگ زیتون را در یک دست و سپری را در دست دیگر گرفته است.

بالای تصویر، عقابی با بال‌های گشوده دیده می‌شود که پرچم کشورهای مختلف را در چنگال خود گرفته است؛ نمادی از قدرت و تسلط امپراتوری آلمان وپروس. در اطراف قالی نیز کتیبه‌هایی به فارسی، همراه دیگر عناصر تصویری، تاریخ جنگ‌ها و محل فتوحات سلطنتی پروس و امپراتوری آلمان را از ۱۷۹۱ تا ۱۹۱۸ میلادی روایت می‌کنند. نشانه‌هایی مربوط به ۲۶ ایالت آلمان در آن دوره نیز در حاشیه‌های قالی دیده می‌شود. این قالی با نقش ویلهلم دوم بافته شده است؛ امپراتوری که خود را یکی از قدرت‌های بزرگ جهان می‌دانست. اما برای فهم اینکه چرا بافندگان تبریزی تصویر ویلهلم را بر چنین قالی‌ای نشانددن و چرا این قالی دوباره سر از ایران درآورد، باید کمی از قالی فاصله بگیریم و به خود امپراتور برسیم.

● ویلهلم دوم؛ قیصری که آلمان را به سوی جنگ برد
فردریش ویلهلم ویکتور آلبرت فون پروسن آخرین قیصر آلمان و پادشاه پروس بود که در تاریخ بیشتر با نام «ویلهلم دوم» شناخته می‌شود. او بیست و هفتم ژانویه ۱۸۵۹ در برلین به دنیا آمد. ویلهلم دوم، نوه ارشد ملکه ویکتوریا، ملکه قدرتمند بریتانیا، بود و از این طریق با بسیاری از خاندان‌های سلطنتی اروپا، ازجمله خاندان‌های سلطنتی بریتانیا، روسیه، یونان، رومانی، اسپانیا و هلند، پیوند خویشاوندی داشت. ویلهلم در بیست‌ونه‌سالگی، پس از مرگ پدرش، فردریش سوم، در سال ۱۸۸۸ میلادی به سلطنت پروس ومقام امپراتوری آلمان رسید. دوره حکومت او در نهایت به سقوط امپراتوری آلمان و پادشاهی پروس انجامید؛ دوره‌ای که در آن سیاست خارجی آلمان از مسیر محتاطانه‌ای که بیسمارک دنبال می‌کرد، فاصله گرفت و این کشور بیش از گذشته به سمت نظامیگری، رقابت استعماری و رقابت تسلیحاتی با دیگر قدرت‌های اروپایی رفت. ویلهلم در جوانی بیسمارک را تحسین می‌کرد، اما این رابطه خیلی زود تغییر کرد. بیسمارک که معمار اصلی اتحاد آلمان و سیاست خارجی پیچیده آن بود، تلاش می‌کرد از درگیری هم‌زمان آلمان با قدرت‌های اروپایی جلوگیری کند. اما ویلهلم جاه‌طلبی‌های دیگری داشت و اختلاف

زهرا زنگنه

اندکی پیش از شروع جنگ جهانی اول سفارش بافت یک قالی به بافندگانی در تبریز داده شد تا به دربار آلمان برسد. سال‌ها بعد دست روزگار آن را به ایران بازگرداند تا امروز در موزه فرش آستان قدس رضوی به نمایش درآید، یک قالی با تصویر آخرین قیصر آلمان، ویلهلم دوم. اما داستان این قالی چیست؟ چرا باید تصویر یک امپراتور اروپایی بر قالی ایرانی نقش ببندد؟ پاسخ در داستانی است که از تبریز آغاز می‌شود، به امپراتوری آلمان می‌رسد و سرانجام به مشهد ختم می‌شود.



میان این دو سرانجام در سال ۱۸۹۰ به استعفا ی بیسمارک انجامید.

از آن پس، آلمان مسیر متفاوتی را پیمود. سیاست خارجی ویلهلم دوم بر افزایش قدرت نظامی و حضور فعال تر آلمان در رقابت‌های جهانی استوار بود. او بر گسترش مستعمرات آلمان وتقویت نیروی دریایی تأکید داشت و در این مسیر، رقابت با بریتانیا نیز شدت گرفت. این سیاست‌ها در کنار مجموعه‌ای از جهان را در بر بگیرد. آلمان در جبهه‌های مختلف جنگ دست به عملیات گسترده‌ای زد و در شرق موفقیت‌هایی در برابر روسیه به دست آورد، اما در مقابل، بخشی از سرزمین‌های خود را از دست داد. سیاست‌های نظامی وتوسعه طلبانه امپراتور آلمان نیز نتوانست جایگاه این کشور را تثبیت کند و جنگی که قرار بود جایگاه آلمان را در اروپا تثبیت کند، در نهایت به فرسایش اقتصادی و نظامی این کشور انجامید. هرچه جنگ طولانی‌تر شد، حمایت ارتش از ویلهلم وکمترو جایگاه اونیز ضعیف‌تر شد. مشکلات اقتصادی، کمبود مواد غذایی، تلفات گسترده و نارضایتی عمومی، پایه‌های نظام سلطنتی را متزلزل کرد. در سال ۱۹۱۸، شکست نظامی و موج انقلاب واعتراف در داخل آلمان به نقطه‌ای رسید که ادامه سلطنت ویلهلم امکان‌پذیر نبود.

در ماه نوامبر، شورش ملوانان در کیل به سرعت به شهرهای دیگر گسترش یافت و به شکل‌گیری یک از نمونه‌های جالب این ارتباط، اسکناس‌های ایرانی سورشازشده توسط آلمان در جریان جنگ جهانی اول است. در وضعیت جنگ، آلمان برای پیشبرد سیاست خود در ایران، به ویژه در مناطقی که تحت نفوذ یا کنترل نیروهای همسو با آلمان قرار گرفته بود، اقداماتی در حوزه پول ومالیه انجام داد. این اسکناس‌ها که امروز نمونه‌هایی از آن‌ها در موزه آستان قدس رضوی وجود دارد،

شوراهای کارگران و سربازان انجامید. هم‌زمان، متحدان آلمان یکی پس از دیگری از جنگ خارج شدند و موقعیت سیاسی ویلهلم بیش از پیش تضعیف شد. در چنین وضعیتی، حتی حمایت از ادامه سلطنت نیز در میان بخش‌هایی از ساختار سیاسی ونظامی آلمان از میان رفت.

آغاز جنگ جهانی اول، پایان برخی امپراتوری‌های بزرگ آن روزگار را رقم زد؛ «امپراتوری روسیه، امپراتوری عثمانی، امپراتوری اتریش و مجارستان سرنگون شدند. در آلمان نیز ویلهلم دوم در نهم نوامبر ۱۹۱۸ از سلطنت کناره‌گیری کرد و به هلند رفت. باسقوط او، عمر امپراتوری آلمان نیز به پایان رسید و نظام جمهوری جایگزین سلطنت شد.

قیصر سابق دیگر هرگز به آلمان بازنگشت. او سال‌های باقی‌مانده عمر خود را در تبعید در هلند گذراند و به‌رغم درخواست متفقین برای تحویل او، ویلهلمینا، ملکه هلند، این درخواست را نپذیرفت. سرانجام آخرین امپراتور آلمان حدود دو سال پس از آغاز جنگ جهانی دوم در چهارم ژوئن ۱۹۴۱ درگذشت.

- بیسمارک، مردی که امپراتوری را ساخت و قیصر کنارش گذاشت
- گفتیم که در این فرش تصویر بیسمارک نیز به‌صورت یک روح در کنار ویلهلم دوم قرار دارد. اما چرا؟ برای فهم این موضوع باید به سال‌های حکومت نسل قبلی امپراتوران آلمان بازگردیم. اتوفون بیسمارک یکی از چهره‌های سیاسی مهم قرن نوزدهم اروپا بود. او در دوره ویلهلم اول، پدر بزرگ ویلهلم دوم، نقش اصلی را در اتحاد دولت‌های آلمانی و شکل‌گیری امپراتوری آلمان ایفا کرد و در سال ۱۸۷۱، پس از پیروزی پروس در جنگ با فرانسه، نخستین صدراعظم امپراتوری جدید آلمان شد.

با قدرت‌گرفتن پروس، فرانسه به رهبری ناپلئون سوم نگران برهم خوردن توازن قدرت در اروپا و شکل‌گیری آلمان متحد شد. از سوی دیگر، بیسمارک برای تکمیل وحدت آلمان به یک دشمن مشترک نیاز داشت. اختلاف بر سر نامزدی یک شاهزاده پروسی برای تاج‌وتخت اسپانیا، زمینه‌ساز جنگ فرانسه وپروس در سال ۱۸۷۰ شد. پس از پیروزی پروس بر فرانسه در جنگ ۱۸۷۱–۱۸۷۰، ایالت‌های جنوبی آلمان نیز به اتحاد تحت رهبری پروس پیوستند. سرانجام در هجدهم ژانویه ۱۸۷۱، در کاخ ورسای، ویلهلم اول، پادشاه پروس، به عنوان امپراتور آلمان اعلام شد و امپراتوری آلمان شکل گرفت.

بیسمارک سیاست‌مداری عمل‌گرا بود. هدفش این بود که پس از تشکیل امپراتوری آلمان، این کشور وارد جنگ‌های بزرگ وهم‌زمان باچند قدرت اروپایی نشود. به همین دلیل، شبکه‌ای پیچیده از اتحادها و توافق‌های دیپلماتیک ایجاد کرد تا فرانسه منزوی بماند و روسیه و اتریش نیز تا حد امکان در تعادل با آلمان قرار گیرند. اما با مرگ ویلهلم اول و سپس پسرش، فردریش سوم، ثبوت سلطنت به ویلهلم دوم رسید؛ قیصری جوان که علاقه چندانی به ادامه سیاست محتاطانه بیسمارک نداشت. امپراتور جدید سودای گسترش سریع‌تر قدرت آلمان را در سر می‌پروراند و سیاست‌های خارجی بیسمارک را سده راود می‌دانست.

بیسمارک به یکی از دستیاران خود گفت: «این جوان خواهان جنگ با روسیه است و اگر تمایل دارد، می‌تواند شمشیر خود را به تنهایی بیرون بکشد. من با وی همراه نخواهم بود.» سرانجام اختلاف میان آن دو بالاگرفت و در سال ۱۸۹۰، بیسمارک پس از نزدیک به دو دهه صدراعظمی، در هفتاد و پنج سالگی و تحت فشار ویلهلم دوم استفا کرد. شاید همین تضاد و تقابل سیاسی، دلیل حضور هم‌زمان این دو چهره در قالی باشد، بیسمارک صدراعظم مستعفی، به عنوان معمار امپراتوری که به شکل یک روح درآمد و ویلهلم دوم، آخرین قیصر که با نمایشی از شکوه و قدرت آلمان به تصویر کشیده شده است.

می‌دانید تبلیغات حراجی‌ها از چه سالی در مشهد باب شده است و مردم چه واکنشی به آن داشته‌اند؟

مرض واگیری به نام «حراج بزرگ سال»

ندارد. اما اگر تخفیف از اصل قیمت باشد، چطور می‌شود؟ خودم پاسخ می‌دهم، هیچ آدم عاقلی نمی‌تواند قبول کند فروشنده‌ای، هر چند هم که خیر باشد، جنس را نصف قیمت بفروشد، یعنی نصف فروش روزانه خود را ضرر کند. مگر اینکه قبول کنیم جنسی را در گذشته به دو برابر قیمت می‌فروخته و اینکه با آنکه صدی چهل پنجاه آن را تخفیف داده‌اند، باز هم ضرر نمی‌کنند. شما هم اگر کمی فکر کنید، ماهیت این حراج‌ها برایتان معلوم می‌شود که آیا یک نوع بخشش است یا یک نوع خدعه و نیرنگ تبلیغاتی است و یا اینکه این راه همی است که مغازه‌ها برای آب‌کردن اجناس ینجل خود با زکده‌اند. مثَل فلان فارسی است که هیچ‌گربه‌ای محض رضای خدا موش نمی‌گیرد.»

او در پایان می‌نویسد: «نمی‌دانم تا چه اندازه با آن موافق باشید،

ولی من معتقدم این دست تخفیف‌ها زیاد هم نباید بی‌معنی باشد. یکی از مغازه‌ها که این روزها تخفیف صدی بدهد، داده،

کاموای ۵۰گرمی ۲۶۰ریال می‌فروشد، حال آنکه بعضی مغازه‌ها همان مارک و همان رنگ کاموا را از ۲۵۰ریال می‌فروخته و

حالا هم می‌فروشند. حالا حساب کنید مغازه متکوک کاموا را در

گذشته چند می‌فروخته است که با وجود تخفیف صدی پنجاه

باز هم گران‌تر است!»

تاریخ حرم

گذری بر تاریخ آستان قدس رضوی در دوران قاجار (قسمت سوم)
عصر نایب متولی و متولی‌باشی‌ها



تصویری از وقف نامه عضدالملک

گروه تاریخ وهویت تشکیلات آستان قدس رضوی در دوره قاجار دستگاهی پیچیده و گسترده است که بر پایه سنت‌های دیرینه و با تأثیرپذیری از تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوران شکل می‌گیرد. در این دوره، مهم‌ترین تحولات را می‌توان در سه حوزه «ساختار تولیت»، «نظام موقوفات» و «سازمان اداری» خلاصه کرد. با این مقدمه، در سومین روایتمان از تاریخ تشکیلات آستان قدس رضوی، با هم دوره قاجار را مرور می‌کنیم. ناگفته نماند در دو قسمت پیشین از ایجاد آستانه و تغییر و تحولات آن در دوره صفویه تا افشار گفتیم. همچنین همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره کردیم، اطلاعات این بخش برگرفته از کتاب «تاریخ تشکیلات آستان قدس» و دیگر اسناد آستان قدس رضوی است.

- تولیت آستانه در دوره قاجار

در ابتدای این سطر خوب است به بالاترین منصب در دوره قاجار اشاره کنیم؛ تولیت آستان قدس رضوی در دوره قاجار نیز همچون دوره صفوی، توسط شاه تعیین می‌شده واز جایگاه سیاسی بالایی برخوردار بوده است واین متولیان معمولاً از میان شاهزادگان، رجال درباری یا روحانیون برجسته انتخاب می‌شده‌اند. این افراد که با لقب «متولی‌باشی» یا «نایب‌التولیه» شناخته می‌شدند، مسئولیت اداره کل امور حرم و موقوفات را بر عهده داشته‌اند. همچنین عملکرد و شخصیت این متولیان تأثیری مستقیم بر وضعیت آستان داشته است. آن‌چنان که ارزیابی‌ها نشان می‌دهد، در دوره‌هایی که متولیان ی قدرتمند و مورد اعتماد بر سر کار بوده‌اند، آستان از رونق بیشتری برخوردار بوده است.

- وضعیت موقوفات در دوره قاجار

تورق اسناد نشان می‌دهد سرنوشت موقوفات آستانه در دوره قاجار با سرنوشتی متفاوت‌تر از دوره‌های پیشین رقم خورده است. بیشترین میزان وقف‌های غیرمنقول و رونق این نهاد را می‌توان در دوره تاجداری ناصرالدین‌شاه مشاهده کرد. همچنین با توجه ثبات نسبی ایجادشده در آستانه، با تدوین کتابچه‌های جامعی درباره موقوفات روبه‌رو هستیم. طومارهایی مانند طومار عضدالملک که در سال ۱۲۲۲قمری برای ثبت اموال موقوفه تدوین شده است، از این جمله هستند. ناگفته‌نماند پای‌کارآمدن و افقانی از طبقات مختلف، ازجمله زنانی مانند انیس‌الدوله، همسر ناصرالدین‌شاه، در گسترش این موقوفات سهمیم بوده است. این‌طور بود که آستان قدس در این دوره به سازمانی عظیم با ساختاری منظم، دارای سلسله‌مراتب و مشاغل متنوع تبدیل شد.

- بررسی ساختار آستانه در دوره قاجار

سازمان دهی بر پایه کشیک در سیستم این دوره، اصلی‌ترین روش سازمان‌دهی نیروها بوده است. خدمه در قالب کشیک‌های پنج‌گانه به احتمال در شیف‌های کاری سازمان‌دهی می‌شدند و طومارهای بلندی (تا ۷۰متر) برای ثبت گزارش عملکرد و پرداخت حقوق آن‌ها تهیه می‌شده است که نشان از نظم اداری آستانه در این دوره دارد.

همچنین علاوه بر مشاغل عمومی، مناصب تخصصی دیگری هم در آستان وجود داشته است که هر یک برای بخشی از امور حرم تعریف شده بودند؛ ملک‌الشعرا؛ شاعر رسمی آستان برای مدیحه‌سرایی، مهردار؛ منصب مهمی که بر مهر اسناد و مدارک نظارت داشته و از رجال با نفوذ دیوانی محسوب می‌شده است، در کنار بخش‌هایی مانند کتابخانه، شمع‌خانه، متولی روشنایی، دارالشفاء و مهمان‌سرا بوده و هر کدام سلسله‌مراتب خاص خود را داشته‌اند.

- تأثیر رویدادهای سیاسی و اجتماعی در تحولات آستان قدس

آستان قدس در این دوره، آینه‌ای از تحولات سیاسی ایران بوده است. از یک‌سو بی‌ثباتی‌های ابتدای قاجار مانند دوران فتحعلی‌شاه باعث غارت اموال حرم می‌شده و از سوی دیگر، ثبات و افزایش تمرکز قدرت در دوره ناصرالدین‌شاه به آن رونق بخشیده است.

همچنین جایگاه اجتماعی و عملکرد متولیان به‌عنوان رابط بین دولت و نهاد مذهبی، نقشی کلیدی در جذب موقوفات داشته است. به‌طور کلی تشکیلات آستان قدس رضوی در دوره قاجار نهادی پویا و متأثر از اوضاع زمانه بوده که توانسته است با وجود فرازونشیب‌های فراوان، هویت و کارکرد مذهبی واجتماعی خود را به عنوان یکی از نهاد‌های مهم شیعی ایران حفظ کند.

همچنین در دوره قاجار عنوان اصلی مقام عالی اداره‌کننده آستانه، «متولی» بوده است. برخلاف دوره صفوی که عنوان «نقیب» رواج داشته، از اواخر دوره صفوی تا پایان قاجار، عنوان متولی برای این مقام به کار می‌رفته و متولی مسئولیت کلی اداره آستان، نظارت بر موقوفات و درآمد‌ها و مدیریت امور مربوط به حرم را بر عهده داشته است. با گسترش تشکیلات آستانه در دوره قاجار برای اداره بهتر امور، مقام «نایب‌متولی» و «متولی‌باشی» اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این شخص عملاً مقام دوم تشکیلات محسوب می‌شده و در اداره روزمره آستان نقش مهمی ایفا می‌کرده است. آستان قدس علاوه بر اداره حرم، شماری از خدمات عمومی را نیز بر عهده داشته که در منابع مربوط به دوره قاجار به فعالیت‌هایی مانند مهمان‌خانه حضرت، بیمارستان، سقاخانه و مراکز آموزشی اشاره شده است. برای مثال، میرزا موسی خان فراہانی در دوره تولیت خود اقداماتی برای ایجاد یا سامان‌دهی چنین مراکزی انجام داده است. در کنار همه این‌ها، کتابخانه آستان قدس نیز بخشی از مجموعه تشکیلاتی آستانه بوده است. اسناد مربوط به کتابخانه و فعالیت‌های آن نشان می‌دهد این بخش سابقه‌ای بسیار قدیمی داشته و در دوره قاجار نیز دارای سازمان و کارکنان مخصوص خود بوده است. نکته مهم این است که آستان قدس نهادی کاملاً مستقل از حکومت نبوده و به‌خصوص در دوره قاجار به‌دلیل اهمیت مذهبی، اقتصادی و سیاسی آستان، شاه و دستگاه حکومت قاجار بر تولیت و اداره آن نظارت و نفوذ داشته‌اند.

تاریخ نگار

وقتی حتی شستن دست‌ها نمایش قدرت بود



اردلان! سینی بزرگی که در تصویر می‌بینید، از جنس نقره طلاکاری شده و متعلق به سده شانزدهم میلادی در پرتغال است. لبه این شیء هنری با برگ‌ها، ساقه‌ها و پیچ‌وتاب‌های گیاهی پوشیده شده که نشانگر تزئینات در اواخر عهد گوتیک است. البته سازنده اثر آن را با سبک مانوئلین و نظم و هندسه مورد علاقه هنر رنسانس ترکیب کرده است. سوی این‌ها، جالب است بدانید این سینی فقط یک ظرف کاربردی نبوده و در مهمانی‌های اشرافی برای شست‌وشوی تشریفاتی دست‌ها همراه با آبریز استفاده می‌شده و گاهی نیز در برابر مهمانان روی میزهای پذیرایی به نمایش درمی‌آمده است. این اثر همچنین نشان می‌دهد در پرتغال سده شانزدهم، حتی یک مراسم ساده مثل شستن دست‌ها می‌توانسته است به صحنه‌ای برای نمایش ثروت، تجمل و قدرت اجتماعی تبدیل شود.

اخبار قدیمی